



مدتی بچه‌های مدرسه
فکرمی کردند من به دلیل
ارتکاب به جرمی در زندان
هستم تا اینکه معلم
مدرسه به من زنگ زد و
پرسید و من توضیح دادم
که کارم در زندان است

نظم تغییر کرد. می‌بینم که خانم‌ها درک خوبی دارند و بیشتر پیگیر کار هستند. خیلی‌ها هم می‌آیند و می‌گویند تو خودت مادر هستی و از این حرف‌ها که توقع دارند بیشتر درک کنند ولی من در حدود راه قانون می‌توانم کمک کنم.

● شده است تا به حال برخورد بدی را هم تجربه کنید؟

بعضی‌ها که از روند پرونده‌ها خسته می‌شوند، وقتی به اجرای احکام می‌رسند، هرچه ناراحتی دارند سر همکاران خالی می‌کنند. همه عصبانی به اجرای احکام می‌آیند در حالی که پرونده تازه به این بخش رسیده است. من همیشه با مراجعه کنندگان مدارا می‌کنم. سعی می‌کنم درک کنم.

● این قضاوت چالش‌هایی هم در زندگی شخصی شما داشته است؟

ناراحتی‌ها همان جا و سرکار تمام نمی‌شود. هر قدر هم تلاش کنیم فشار کار را با خودمان به خانه نبریم، گاهی چاره‌ای نیست! خاطرم هست قرار بود مادر مجرم را به زندان بفرستیم. یک دختر چهار ساله همراهش بود. این بچه پای مادرش را چسبیده بود و نمی‌گذاشت مأموران مادرش را ببرند. این صحنه برایم خیلی تلخ بود. من هم مادرم و این شرایط را درک می‌کنم ولی کاری از دستم بر نمی‌آید. در خانه سعی می‌کنم با وجود همه این سختی‌ها مادر و همسر باشم و وظایفم را انجام دهم، غذا بپزم و به خانه برسم اما بعضی از اتفاقات فراموش نمی‌شود. یک پرونده دیه داشتم که در مدرسه بچه‌ای آسیب دیده بود و بخشی از بینایی خود را از دست داده بود در حالی که عمد نبود ولی خانواده شاکی دیه می‌خواستند. این در حالی است که می‌بینم خانواده‌ها ضعیف‌اند و توان پرداخت ندارند. اجرای این پرونده‌ها برای من واقعا سخت است.

● خاطره‌ای خانوادگی هم از این شغل سخت دارید؟

چون من زندان می‌روم و حوزه من نظارت بر زندان است، یک بار در مدرسه دخترم آسیبی دیده بود و معلم گفته بود به مامانت زنگ می‌زنیم و می‌گوییم که مشکل پیش آمده. دخترم هم گفته بود مامانم زندان است. تا چند وقت همه می‌پرسیدند: چرا مادر زندان است؟ از شغل من خبر نداشتم و چند باری از بچه پرسیده بودند: چرا مادر زندان است؟ او هم فقط گفته بود: مامانم زندان می‌رود. مدتی بچه‌های مدرسه فکر می‌کردند من به دلیل ارتکاب به جرمی در زندان هستم تا اینکه معلم مدرسه به من زنگ زد و پرسید و من توضیح دادم که کارم در زندان است و آنجا رفت و آمد دارم. معلم در مدرسه توضیح داده بود که من قاضی هستم و مشکل حل شده بود.

● لابد مهمانی هم که می‌روید، مثل پز شک‌ها همه دور شما می‌ریزند و سؤال می‌پرسند! بله، خب! می‌آیند سؤال می‌پرسند یا زنگ می‌زنند و راهنمایی می‌گیرند.

● چه حکم‌هایی را اجرای کنید؟ سرقت، کلاهبرداری، جیب‌بری و مواد مخدر موضوع بیشتر پرونده‌های زنان است.

بر زندان رفتم. چند ماهی آنجا ماندم. بعد هم اجرا آمدم. از سال ۹۴ در همین حوزه هستم. الان هم حوزه کاری من بیشتر اطفال و بانوان است.

● از اولین روزهای قضاوت خاطره‌ای دارید؟

اولین پرونده‌ها را خاطرم نیست ولی در سرپرستی پرونده‌هایی داشتیم که واقعا آزار دهنده بود. بچه‌ها وزن‌هایی که آسیب دیده بودند، منتهی اینکه می‌توانستم حق و حقوق کودک یا زنی را بگیرم که مظلوم واقع شده بود، لذت بخش بود. خاطرم است خانمی به من مراجعه کرد که بچه‌اش را از او گرفته بودند. شکر خدا با راهنمایی و کمک، توانست به فرزندش برسد و فرزندش را پیش خودش برگرداند. اما بعد از اینکه بچه را گرفته بود، حقوق بچه را به او نمی‌دادند. همه را عموی آن بچه می‌گرفت و حق او ضایع می‌شد. خوبی این پرونده برای من این بود که توانستم حق بچه را از عموی او بگیریم. اتفاقا مبلغ زیادی هم بود و بخشی از یک ملک به نام بچه شد.

● جرم‌های حوزه بانوان یا بانوان مجرم؟

هر دو اما به نظر خانم‌ها بیشتر در اثر شرایط زندگی مرتکب جرم می‌شوند. این طور نیست که از روی عادت جرمی را انجام دهند. برای برخی موارد، نظر من این است که تعلیقی در مجازات ایجاد کنیم و فرصت بدهیم. به خصوص به خانم‌هایی که مادرند و کودکشان کوچک‌تر از سال دارند که باید با آن‌ها در زندان زندگی کند.

● تفاوتی هم در ارجاع پرونده‌ها از نظر اینکه شما خانم هستید وجود دارد؟ مثل اینکه بخواهند پرونده‌های سبک‌تر را به شما بدهند؟

تفاوتی ندارد. ما هم مثل آقایان ابلاغ قضایی داریم. در رسیدگی به پرونده‌ها خانم و آقایان داریم و این طور نیست که چون خانم هستم پرونده‌های آسان‌تر را به من ارجاع دهند. ارجاع از یک منبع است و نمی‌گوید که کدام شعبه زن است و کدام آقا. اگر اشتباه نکنم، در کشور تعداد زیادی قاضی زن داریم که تعداد قابل توجهی از آن‌ها در مشهد فعال هستند.

● قضاوت کار سختی است؟

کار قضاوت چه برای آقایان چه برای خانم‌ها سخت است و طاقت فرسا. حجم ورودی پرونده‌ها بالاست و از طرفی با مشکلات مردم عجین می‌شویم. یک وقت‌هایی وقتی فردی جلوم نشسته و مشکلاتش را می‌گوید، فکر نمی‌کنم که من این طرف می‌ز هستم و او طرف دیگر. دنبال راه حل می‌گردیم ولی گاهی هم کاری از دست ما بر نمی‌آید و چاره قانونی نداریم.

● وقتی مراجعه کننده در را باز می‌کند و می‌بیند قاضی یک زن است، چه برخوردی می‌کند؟

بر برخوردها مختلف است. خیلی از خانم‌ها خوشحال می‌شوند و می‌گویند چه خوب که قاضی خانم است، ما را درک می‌کند و حرف ما را می‌فهمد. برخورد آقایان هم متفاوت است! یک باری آقایانی آمده بود و وقتی کارش تمام شد، برگشت به من گفت: ببخشید، من درباره شما فکر بد کردم! پرسیدم: چرا؟ گفت: با خودم گفتم با این قاضی خانم پرونده‌ام حالا می‌ماند. دوست داشتم شعبه‌ای بروم که قاضی آقا باشد ولی الان که کارتان را دیدم و رسیدگی سریعی که داشتید،